

## بررسی سیاست جنایی قانون گذار در زمینه مقابله با جرم پولشویی و اقدامات محدود کننده در قانون جدید

علیرضا مانده گاری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸

### چکیده

جرم پولشویی بر خلاف جرایم سنتی ابتدا در سطح بین المللی شناخته شد و بعد از آن به حقوق داخلی کشورها راه یافت. پولشویی عبارت از روش هایی است که با کمک آن ها عواید به دست آمده از طریق جرم، زیر پوشش مشروع قرار گرفته، پاک و مباح جلوه داده می شود و منشأ حقیقی آن مورد کتمان قرار می گیرد. در کشور ایران برای اولین بار در سال ۱۳۸۶ قانون مبارزه با پولشویی به تصویب رسید و این قانون در سال ۱۳۹۷ مورد اصلاح واقع گردید. قانون گذار در قانون جدید، اقدامات پیشگیرانه ای در جهت کاهش وقوع جرم پولشویی وضع نموده است از جمله تعیین سقف و حد آستانه و ارائه اسناد مثبت برای نقل و انتقالات بانکی، تشکیل مرکز اطلاعات مالی جهت شفافیت مالی و تشکیل شورای عالی مقابله و پیشگیری از جرایم پولشویی. هم چنین رویکرد مقابله ای قانون گذار در جهت برخورد با مرتکبان جرم پولشویی توأم با سخت گیری بیشتری شده است. به طور کلی می توان گفت سیاست جنایی قانون گذار حاوی نگاه جدیدی نسبت به جرم پولشویی می باشد.

### واژگان کلیدی

پولشویی، سیاست جنایی، شفافیت مالی.

## ۱- مقدمه

پولشویی یا همان Money Laundering مباح و قانونی جلوه دادن پول هایی است که از راه نامشروع و غیر قانونی به دست آمده است این جرم ابتدا در سطح جهان مورد شناسایی قرار گرفت و بعد از آن وارد حقوق داخلی کشورهای جهان شد و اسناد بین المللی در این زمینه وجود دارد و گروه ویژه اقدام مالی (FATF) در این زمینه فعالیت می کند (ابوالحسنی، ۱۳۹۹).

در کشور ایران برای اولین بار قانون مبارزه با پولشویی در تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و همین قانون در سال ۱۳۹۷ به اصلاح رسید که شورای نگهبان متن اصلاحی را به تصویب نرساند و مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۵ آن را به تصویب رساند. ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷ به تعریف جرم پولشویی می پردازد در واقع بندهای سه گانه ماده ۲ تعریفی از جرم پولشویی ارائه نمی دهد بلکه با بیان مصادیق ما را به مفهوم مد نظر می رساند. قانون گذار تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از ارتکاب جرایم با علم به منشأ مجرمانه ی آن را از مصادیق پول شویی میداند. در واقع بهره برداری آگاهانه از آنچه که از جرم به دست آمده مصداق پولشویی میباشد. در بند دوم تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی به منظور پنهان یا کتمان کردن منشأ مجرمانه آن با علم به این که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از ارتکاب جرم به دست آمده یا کمک به مرتکب جرم منشأ به نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نشود؛ با توجه به این بند پنهان سازی عواید به دست آمده از جرم یکی دیگر از مصادیق جرم پولشویی میباشد. در بند سوم آمده است اختفای منشأ، منبع، محل، نقل و انتقال جا به جایی یا مالکیت عوایدی که مستقیماً یا غیر مستقیماً در نتیجه جرم تحصیل شده باشد. در واقع میتوان گفت مرتکب جرم پولشویی به دنبال استفاده از عواید حاصل از فعالیت مجرمانه می باشد؛ به نحوی که وانمود میکند عواید از فعالیت قانونی به دست آمده است. با توجه به بندهای سه گانه که در قانون مبارزه با پولشویی آمده است می توان این گونه نتیجه گرفت که جرم پولشویی یک جرم ثانویه می باشد؛ که سعی در پوشاندن جرم اولیه دارد و قصد دارد عواید حاصل از جرم اولیه را مطهر و پاکیزه جلوه دهد که قانون گذار این اقدام را جرم تلقی نموده است ضمن این که مرتکب جرم اولیه و ثانویه می تواند یک نفر نباشد. رتبه شفافیت در ایران از متوسط جامعه جهانی پایین تر بوده و به زعم سازمان بین المللی، شفافیت این نتایج حاکی از افزایش میزان، فساد علیرغم وجود نهادهای نظارتی و اعمال قوانین متعدد میباشد. به عنوان نمونه بر اساس گزارش سازمان بین المللی شفافیت در سال های ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ نمره کل فساد در ایران از عدد ۱۰ به ترتیب برابر با ۹/۲، ۹/۲، ۷/۲ و ۵/۲ بوده و به ترتیب در بین ۱۵۵، ۱۵۹، ۱۶۳ و ۱۸۰ کشور مورد بررسی رتبه های، ۱۰۶۹۳۸۸ و ۱۳۱ را به دست آورده است. ضمن این که در سال ۲۰۰۹، نمره فساد در ایران به ۸/۱ نیز رسیده است این موضوع بیانگر آن است که از دیدگاه جهانی درجه شیوع فساد در ایران رو به افزایش بوده است (مرادی، ۲۰۲۲).

در این تحقیق میخواهیم به بررسی سیاست جنایی قانون گذار در قانون جدید پردازیم. قانون گذار در قانون جدید اقدامات پیشگیرانه و مقابله ای وضع نموده است که در جهت کاهش ارتکاب جرم پولشویی میتواند بسیار مؤثر واقع شود. قانون مبارزه با پولشویی اصلاح شده است و قانون گذار در قانون جدید نوآوری های زیادی داشته است و اقداماتی را پیش بینی کرده است که در قانون سابق وجود ندارد. از جمله اقدامات پیشگیرانه ارائه اسناد مثبتی برای نقل و انتقالات بانکی می باشد. از دیگر موارد جدید که در قانون سابق فاقد سابقه است تشکیل مرکز اطلاعات مالی میباشد که در جهت شفاف سازی اطلاعات و کاهش وقوع جرم پولشویی می باشد. هم چنین قانون گذار در زمینه ی مقابله با جرم

پولشویی برخورد شدیدتری را اتخاذ نموده است. تمام این موارد نیازمند بررسی می‌باشد و تحلیل قانون برای درک بهتر آن ضروری به نظر می‌رسد.

### پول شویی در اسناد بین المللی

نخستین سند و کنوانسیون بین المللی که به ضرورت جرم انگاری پول شویی تأکید کرده است کنوانسیون وین مصوب سال ۱۹۸۸ می‌باشد. در این کنوانسیون دول متعهد ملتزم شدند که تطهیر عواید ناشی از جرایم قاچاق مواد مخدر را جرم انگاری نمایند. به موجب ماده ۳ کنوانسیون مذکور، دولت های عضو متعهد شدند که در قوانین ملی خود، شست و شوی عواید حاصل از جرایم قاچاق مواد مخدر را به عنوان یک عمل مجرمانه توصیف نمایند (گادوزیان و همکاران، ۱۳۹۶).

بلافاصله بعد از تدوین کنوانسیون وین، اندیشه توسعه و تعمیم جرم انگاری پول شویی به عواید ناشی از جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر نزد جوامع بین المللی شکل گرفت. چنین رویکردی به وضوح در نخستین توصیه های چهل گانه FATF که در فوریه سال ۱۹۹۰ میلادی تدوین و صادر گردیده است قابل تشخیص است. به موجب توصیه چهارم، کشورها باید به منظور جرم انگاری پول شویی مربوط به جرایم قاچاق مواد مخدر مطابق آنچه که در کنوانسیون وین پیش بینی شده است تدابیر تقنینی مورد نیاز را انجام دهند. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که نهاد FATF ضمن توصیه های چهل گانه منتشره همانند کنوانسیون وین فقط جرم انگاری پول شویی مربوط به جرایم قاچاق مواد مخدر را ضروری تشخیص داده است (مولایی، ۱۳۹۳).

در توصیه های چهل گانه اصلاحی سال ۲۰۰۳، توصیه اول به بیان ضرورت جرم انگاری پول شویی اختصاص یافت. مطابق این توصیه دولت ها باید بر اساس کنوانسیون وین مصوب سال ۱۹۸۸ و کنوانسیون پالرمو مصوب سال ۲۰۰۰، پول شویی را جرم انگاری نمایند؛ یعنی علاوه بر اینکه باید بر اساس کنوانسیون وین تطهیر عواید مربوط به جرایم قاچاق مواد مخدر را جرم انگاری نمایند، بلکه همچنین باید وفق کنوانسیون پالرمو، تطهیر عواید مربوط به جرایم سازمان یافته مصرحه در این کنوانسیون را هم به عنوان جرم جزایی قلمداد کنند. مضافاً به اینکه در توصیه های چهل گانه FATF اصلاحی سال ۲۰۰۳ میلادی، دولت ها ملزم شدند که جرم پول شویی را به همه جرایم شدید توسعه دهند. دستورالعمل شورای جوامع اروپایی در مورد جلوگیری از مورد استفاده قرار گرفتن سیستم مالی به منظور پول شویی مصوب سال ۱۹۹۱، دول عضو را ملزم می‌نماید که طبق قوانین ملی خود تطهیر عواید ناشی از جرایم قاچاق مواد مخدر موضوع بند (الف) از فراز اول ماده ۳ کنوانسیون وین را جرم انگاری نمایند. به علاوه در قسمت اخیر ماده یک دستورالعمل مرقوم تصریح شده است که دول عضو می‌توانند در راستای اهداف این دستورالعمل دامنه جرم انگاری پول شویی را به جرایم دیگری نیز تعمیم و توسعه دهند. دستورالعمل سال ۱۹۹۱ به منظور روزآمد شدن، در چهارم دسامبر سال ۲۰۰۱ میلادی مورد اصلاح و تجدیدنظر قرار گرفت. یکی از موارد اصلاحی در این دستورالعمل ناظر به توسعه قلمرو جرم انگاری پول شویی از جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر به همه جرایم شدید می‌باشد (گادوزیان، ۱۳۹۶).

در کنوانسیون پالرمو، دولت های متعهد ملتزم شدند که دامنه جرم انگاری پول شویی را به همه جرایم شدید مصرحه در ماده ۲ کنوانسیون و جنایاتی که در مواد ۵ و ۸ و ۲۳ این کنوانسیون پیش بینی شده است، تعمیم دهند و تطهیر عواید حاصل از همه این جرایم را واجد وصف جزایی تلقی نمایند.

با ملاحظه سیر تاریخی شکل‌گیری و تدوین اسناد و معاهدات بین‌المللی این نتیجه حاصل می‌شود که جرم‌انگاری پول شویی بدو از جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر آغاز شده و سپس و به مرور، قلمرو آن به سایر جرایم شدید توسعه و تعمیم یافته است به گونه‌ای که امروزه در اغلب سیستم‌های حقوقی واجد قوانین مبارزه با پول شویی، تطهیر عواید مربوط به تمام جرایم شدید دارای وصف مجرمانه می‌باشد.

## ۲- سیاست جنایی مقابله‌ای در قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷

قبل از اینکه به بررسی رویکردهای مقابله‌ای اتخاذی توسط قانون‌گذار در قانون جدید پردازیم؛ بهتر است نگاهی به قانون سابق داشته باشیم تا با تطبیق تغییرات، به طور واضح موفق به درک سیاست جنایی قانون‌گذار شویم. عنصر قانونی پولشویی در حقوق کیفری ایران را قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ تشکیل می‌دهد. در این قانون بر مبنای کنوانسیونهای بین‌المللی و قوانین تعداد زیادی از کشورهای دنیا به تعریف جرم پولشویی و تبیین ارکان آن پرداخته شده است. به جز قانون مورد بحث که به صورت اختصاصی به جرم‌انگاری پولشویی پرداخته برخی دیگر از قوانین و مقررات در کشور ما وجود دارد که در زمینه پیشگیری از جرم و در نهایت جرم‌انگاری پولشویی مورد توجه قرار گرفته است. از مهمترین آنها می‌توان به اصل ۴۹ قانون اساسی نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۳ مجلس شورای اسلامی قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴ ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی قانون مجازات اخلا گران در نظام اقتصادی کشور و ... اشاره نمود. در ماده ۹ قانون سابق جزای نقدی به میزان یک چهارم عواید حاصل از جرم به عنوان مجازات جرم پولشویی در نظر گرفته شده بود. استرداد درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم مربوط به جنبه مسؤولیت مدنی می‌باشد و مجازاتی که پیش‌بینی شده است جزای نقدی می‌باشد. به میزان یک چهارم عواید حاصل از جرم که می‌تواند در پولشویی‌های مختلف این رقم متفاوت باشد. در واقع این جزای نقدی نسبی است و با توجه به مبلغ مورد پولشویی متغیر می‌باشد (باقرزاده، ۱۳۸۸).

بر اساس آنچه که در ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی اشاره شده است رفتار مادی در جرم پولشویی عبارتند از تحصیل تملک نگهداری و استفاده کردن، تبدیل، مبادله انتقال و کمک کردن و اخفاء پنهان و کمک کردن با احتراز از ادبیات حقوقی که در آثار حقوقی گذشته در ارتباط با رکن مادی پولشویی مورد اطلاق قرار گرفته است بایستی خاطر نشان شود که اولاً اگرچه استفاده از عواید ناشی از فعالیت‌های مجرمانه از مصادیق رفتار مادی پولشویی در بند الف ماده ۲ بیان شده و به معنی فایده خواستن بهره برداری کردن و سود بردن است و پولشویی ضمن حفظ عواید ناشی از جرم، آنها را تطهیر می‌کند. از مقومات هر جرم پیکر خارجی آن از جمله، فاعل، رفتار، موضوع نتیجه و رابطه علیت است. بدین لحاظ چالش‌های موجود از نظر انطباق قانون مبارزه با پولشویی ایران مصوب ۱۳۸۶ با ضوابط حقوق کیفری و کنوانسیونهای مذکور محل واکاوی است. امروزه مرتکب جرایم از منظر قوانین کیفری اعم از هر شخص حقیقی یا حقوقی پذیرفته شده است و از میان آنها کارکنان دولتی و اشخاص حقوقی بنا بر حدود اختیارات و تواناییهای خاصی که دارند با سهولت هرچه بیشتری مرتکب جرم می‌شوند. پس منطقاً باید مجازات شدیدتری که جنبه بازدارندگی داشته باشد برای آنان لحاظ شود. مواد ۲ و ۹ قانون مبارزه با پولشویی ایران ناظر بر مرتکبان پولشویی است در این قانون کارمندان دولت که از جایگاه خود برای پولشویی سوء استفاده کنند، مورد توجه خاصی قرار نگرفته است یعنی شایسته بود مجازات این افراد تشدید میشد زیرا کارکنان دولتی بنا به مسؤولیت خود اختیاراتی دارند که دیگر افراد از آن بهره‌مند نیستند و اصولاً جرم

توسط آنها ساده تر ارتکاب می یابد بند ۲ ماده (۱۰) کنوانسیون پالمو ۲۰۰۰ نسبت به دولتهای متعاقد یادآور شده است که در قانون ملی خود برای اشخاص حقوقی در صورت ارتکاب جرم پولشویی مسئولیت کیفری در نظر بگیرند ولی در قانون ایران در این مورد حکم خاصی وجود ندارد. سکوت قانون ایران به ویژه در ماده ۲ آن در خصوص مرتکب، پولشویی دلالت بر آن دارد که میان شخص حقیقی و حقوقی تفاوتی وجود نداشته باشد. ولی اطلاق عبارت «مرتکبین در ماده ۹ همان قانون گویای این نظر نیست و وجه غالب عبارت اخیر به اشخاص حقیقی برمی گردد و از ظهور آن نتیجه گرفته میشود که قانونگذار، ایران در زمینه پولشویی چنانچه کنشگر یک شخص حقوقی باشد مسئولیت کیفری قائل نشده است با تعیین مجازات قابل اعمال بر اشخاص حقوقی در ماده ۲۰ ق.م. مصوب ۱۳۹۲ و با عنایت به ماده ۱۴۳ همان قانون این خلا برطرف شده زیرا قانون مجازات اسلامی بر سایر قوانین در موارد سکوت ابهام و اجمال حاکم است.

یکی از مقومات ضروری عنصر مادی هر جرمی رفتار شخص مجرم است که برحسب طبیعت و اقتضای انجام هر جرم قانونگذار آن را توصیف کرده و با قید مجازات منع میکند اگر در روشهای جرمانگاری این شیوه علمی مدنظر قانونگذار کیفری قرار نگیرد، از مواردی است که گاه موجب نقض حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی میشود و گاه مفری برای مجرمان حرفهای محسوب میشود. رفتار در این جرم مجموعه اقداماتی است که بر روی عایدات ناشی از جرم اولیه انجام می گیرد تا از دید مأموران عدالت کیفری مخفی بماند و آن عایدات مشروع جلوه کند (ساریخانی، ۱۳۹۵).

در همین زمینه ماده ۶ کنوانسیون پالمو (۲۰۰۰) و ماده ۲۳ کنوانسیون مریدا (۲۰۰۳) مصادیق رفتار پولشویی را افعالی نظیر تبدیل، تصاحب، انتقال و ... عایدات ناشی از جرم دانسته اند. حال آنکه عواید معنای عامی دارد این نحوه بیان قانونگذار ایران در توصیف موضوع جرم پولشویی ابهام دارد و این مسائله اولاً زمینه شکل گیری تفاسیر متعدد و بعضاً ناروای فراهم می کند و ثانیاً با این رویه ماده ۳ مذکور راه مفری برای مجرمان پولشویی پیش بینی کرده است.

## ۱-۲- مجازات اصلی در قانون جدید مبارزه با پولشویی

اینک به بررسی سیاست جنایی مقابله ای در قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷ می پردازیم. ضمن یادآوری این نکته که یک قانون جامع تنها نمیتواند مبتنی بر برنامه های پیشگیرانه باشد و از واکنش در مقابل افراد خاطی غافل بماند. ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷ به مجازات این جرم اشاره کرده است. ابتدأ این که اصل مال و درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم منشأ و جرم پولشویی و اگر تلف شده باشد مثل یا قیمت آن مورد مصادره قرار میگیرد. علاوه بر مصادره اموال مجازات حبس و جزای نقدی نیز تعیین گردیده است. چنانچه جمع اموال درآمد و عواید جرم پولشویی تا ده میلیارد ریال معادل یک میلیارد تومان باشد حبس تعزیری درجه پنج پیش بینی شده است و چنانچه جمع اموال درآمد و عواید جرم پولشویی بیش از ده میلیارد ریال معادل یک میلیارد تومان باشد؛ حبس تعزیری درجه چهار آمده است. علاوه بر حبس جزای نقدی نیز پیش بینی شده است که معادل و جوه یا ارزش مالی میباشد که مورد پولشویی واقع گردیده است. البته در مصادره اموال باید به این نکته اشاره کرد که چنانچه عواید حاصل از جرم به اموال دیگری تبدیل یا تغییر یافته باشد همان اموال و در صورت انتقال به ثالث با حسن نیت معادل آن از اموال مرتکب ضبط میشود و صدور حکم ضبط در صورتی میباشد که متهم برای جرم منشأ مشمول چنین حکمی قرار نگرفته باشد. بدیهی است که جرم منشأ و جرم پولشویی دو جرم جداگانه میباشد و مرتکبین جرم منشأ در صورت ارتکاب جرم پولشویی علاوه بر مجازاتهای مقرر مربوط به جرم منشأ به مجازات های پیش بینی شده برای پولشویی نیز محکوم خواهند شد که مقررات

تعدد اعمال می گردد. البته مرتکبین جرم پولشویی در صورت عدم ارتکاب جرم منشأ صرفاً به مجازات پولشویی محکوم می گردند (شعبانی، ۱۴۰۲).

قانون مبارزه با پولشویی یک درجه جهت تشدید نیز پیش بینی نموده است و آن هم ارتکاب جرم به صورت سازمان یافته میباشد که مجازات را به میزان یک درجه تشدید می نماید. در نظام حقوقی ما بر اساس قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی پذیرفته شده است و جرم پولشویی هم از این مقرر مستثنی نمی باشد؛ و اشخاص حقوقی در صورت ارتکاب جرم پولشویی طبق ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی محاکمه می گردند که مجازاتهایی همچون انحلال شخص حقوقی مصادره کل اموال ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر به مدت پنج سال ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر به مدت پنج سال، جزای نقدی و انتشار حکم محکومیت به وسیلهی رسانه ها پیش بینی شده است. چنانچه اموالی که بایستی مصادره گردد یا ضبط شود متعلق به غیر باشد و در دادگاه صالحه مشخص شود که بدون اطلاع مالک استفاده شده یا این که مالک رضایت نداشته است و این امر را به مراجع قضایی اعلام نموده یا این که امکان اعلام نداشته است به مالک آن مسترد می گردد (نیکومنظر، ۱۴۰۳).

در مقایسه ی قانون ۱۳۸۶ و ۱۳۹۷ ملاحظه می شود؛ موضع قانون گذار بسیار تغییر کرده است. نه تنها در زمینهی پیشگیری قانون گذار اقداماتی را انجام داده است بلکه در زمینه ی مقابله نیز در جهت ارعاب، عمومی مجازاتهای سنگین تری را لحاظ نموده است. در قانون سابق برای جرم پولشویی فقط مجازات جزای نقدی پیش بینی شده بود آن هم به میزان یک چهارم عواید حاصل از جرم حال آن که در قانون جدید هم مجازات حبس پیش بینی شده است و هم جزای نقدی با این تفاوت که جزای نقدی دیگر به میزان یک چهارم عواید نمی باشد؛ بلکه معادل ارزش مالی است که مورد پولشویی قرار گرفته است.

به نظر میرسد در این قسمت جزای نقدی معادل مالی است که مورد پولشویی قرار گرفته و عواید و درآمد ناشی از آن مد نظر قانون گذار نبوده است. در واقع در جزای نقدی میزان درآمد و عواید محاسبه نمیشود و وجوه یا ارزش مالی که مورد پولشویی واقع گردیده مبنای جزای نقدی قرار می گیرد. حال آن که در میزان حبس جمع اموال درآمد و عواید مورد لحاظ قرار می گیرد و اگر عواید تا ده میلیارد ریال باشد حبس تعزیری درجه ۵ پیش بینی شده است که برابر است با حبس بیش از دو تا پنج سال. چنانچه جمع اموال درآمد و عواید بیش از ده میلیارد ریال باشد حبس تعزیری درجه ی چهار پیش بینی شده است که طبق ماده ۱۹ قانون مجازات حبس تعزیری درجه چهار برابر است با حبس بیش از پنج تا ده سال. در هر دو مورد فوق جزای نقدی اخذ می شود. در تبصره ۴ ارتکاب جرم به صورت سازمان یافته با تشدید مجازات رو به رو شده است موردی که در قانون سابق فاقد سابقه میباشد (باباخانی، ۱۴۰۱).

به عبارتی چنانچه مجموع اموال و درآمد و عواید پولشویی تا ده میلیارد ریال به صورت سازمان یافته واقع شود حبس تعزیری درجه چهار اعمال میشود یعنی حبس بیش از پنج تا ده سال و چنانچه مجموع عواید پولشویی بیش از ده میلیارد ریال باشد و به صورت سازمان یافته واقع شود؛ مجازات حبس درجه ی سه اعمال خواهد شد یعنی حبس بیش از ده تا پانزده سال.

در تبصره ی ۵ ماده ۹ مجازات اشخاص حقوقی پیش بینی شده است که طبق ماده ی ۲۰ ضمن این که جزای نقدی اشخاص حقوقی طبق تبصره ی ۵ ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی معادل دو تا چهار برابر وجوه یا ارزش مالی که مورد

پولشویی واقع گردیده می باشد؛ حال آن که برای اشخاص حقیقی معادل وجوه یا ارزش مال مورد پولشویی می باشد. در قسمت دیگری از قانون مبارزه با پولشویی پیش بینی مجازات دیده می شود. تبصره ماده ۷ قانون مبارزه با پولشویی هر یک از مدیران و کارکنان دستگاه های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ عالماً و عامداً و به قصد تسهیل جرایم موضوع این قانون از انجام تکالیف مقرر در هر یک از بندهای فوق به استثنای بند "ث" خودداری نماید علاوه بر انفصال موقت درجه شش به جزای نقدی درجه شش محکوم می شود. صورتی که عدم انجام تکالیف مقرر ناشی از تقصیر باشد مرتکب به انفصال موقت درجه هفت محکوم خواهد شد. مدیران و کارکنان سایر دستگاه های حاکمیتی و بخش های غیر دولتی در صورت عدم انجام تکالیف مقرر در این ماده به استثنای بند "ث" به جزای نقدی درجه شش محکوم میگردند. ماده ۷ قانون مبارزه با پولشویی که سابقاً مورد بررسی قرار گرفت اشخاص، نهادها و دستگاه های مشمول این قانون را مکلف به رعایت مواردی کرده است و طبیعی است که هر تکلیفی در صورت عدم انجام با جزایی رو به رو میشود که البته چنین جزایی در قانون سابق دیده نمی شود.

در قانون مبارزه با پولشویی برای عدم ارائه اسناد مثبت نیز مجازات تعیین گردیده است. طبق قانون دارا شدن اموال موضوع این قانون منوط به ارائه اسناد مثبت می باشد و چنانچه ارزش اموال مزبور بیش از ده میلیارد ریال معادل یک میلیارد تومان برای سال پایه و معادل افزایش یافته آن بر اساس نرخ تورم برای سالهای بعد باشد؛ وجود سابقه از آن در سامانه های مربوط لازم است. عدم ارائه اسناد مثبت که قابل راستی آزمایی باشد موجب جزای نقدی به میزان یک چهارم ارزش آن اموال خواهد بود و اصل مال تا زمان رسیدگی قضایی توقیف می شود. چنانچه بعد از رسیدگی مشروعیت مال به اثبات برسد از آن رفع توقیف میشود و در غیر این صورت ضبط می گردد. بدیهی است که الزام هر مقرر ای در صورت سرپیچی عواقبی به دنبال خواهد داشت و قانون گذار در جهت پیشگیری هر چه بیشتر از ارتکاب جرم پولشویی برای عدم ارائه اسناد مثبت ضمانت اجرای جزای نقدی پیش بینی نموده است (احمدزاده، ۱۴۰۳).

علاوه بر مجازات اصلی جرم پولشویی مشمول مجازات تکمیلی و تبعی نیز می باشد. طبق ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی دادگاه میتواند برای فرد محکوم به تعزیر درجه ۱ تا ۶ مجازات تکمیلی وضع نماید با توجه به این که مجازات جرم پولشویی بر اساس جمع درآمد و عواید درجه پنج و چهار میباشد؛ بنابراین قاضی میتواند فرد مرتکب را به یک یا چند مجازات از مجازاتهای تکمیلی احصاء شده در ماده ۲۳ محکوم نماید علاوه بر مجازات تکمیلی مجازات تبعی نیز قابل اعمال است با توجه به ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی برای حبس درجه چهار سه سال مجازات تبعی و برای حبس درجه پنج دو سال مجازات تبعی پیش بینی گردیده است؛ که در واقع مجازات، تبعی محکوم را از حقوق اجتماعی محروم می سازد که موارد محرومیت در ماده ۲۶ قانون مزبور احصاء شده است؛ بنابراین جرم پولشویی جرمی است که مشمول مجازات، اصلی تکمیلی و تبعی می گردد و محکوم را به مدت سه یا دو سال از حقوق اجتماعی محروم می سازد.

## ۲-۲- شروع به جرم معاونت و شرکت در جرم پولشویی

در بخش قبل مجازات اصلی، تکمیلی و تبعی جرم پولشویی را برشمردیم، اینک اشاره ی کوتاهی به دیگر تأسیسات جزایی در ارتباط با جرم پولشویی می نمایم. طبق ماده ۱۳ قانون مبارزه با پولشویی مجازات شروع به جرم معاونت و شرکت در جرایم موضوع این قانون و مقررات راجع به تشدید و تخفیف مجازات حسب مورد تابع قانون مجازات اسلامی است. ماده ی ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مربوط به شروع به جرم است. با توجه به این که مجازات حبس برای

جرم پولشویی در نظر گرفته شده است در تعزیرات فقط جرم مستوجب مجازات حبس تا درجه پنج مشمول مجازات شروع به جرم می گردد؛ بنابراین طبق بند ب و پ ماده ی ۱۲۲ در جرایمی که مجازات قانونی آن حبس تعزیری درجه ی چهار است، مجازات شروع به جرم حبس تعزیری درجه پنج میباشد و در جرایمی که مجازات قانونی آن حبس تعزیری درجه ی پنج است مجازات شروع به جرم آن حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش است (میرسعیدی، ۱۴۰۲).

بنابراین شروع به جرم پولشویی با توجه به جمع اموال در آمد و عواید آن حبس تعزیری درجه پنج و یا حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه ی شش میباشد. با توجه به این که جرم پولشویی یک جرم تعزیری است و مستوجب قصاص و حد نیست؛ طبق بند ت ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی مجازات معاونت در پولشویی یک تا دو درجه پایین تر از مجازات پولشویی است. به عبارتی ارتکاب پولشویی تا میزان ده میلیارد ریال که مستوجب حبس تعزیری درجه ی پنج می باشد؛ معاونت در آن مستوجب حبس تعزیری درجه ی ۶ یا ۷ می باشد.

پولشویی بیش از ده میلیارد ریال مستوجب حبس تعزیری درجه چهار می باشد؛ که معاونت در آن حبس تعزیری درجه ی ۵ یا ۶ دارد. البته در تمام موارد ارتکاب جرم پولشویی جزای نقدی نیز پیش بینی شده است که معادل جوه یا ارزش مالی که مورد پولشویی واقع گردیده است و با توجه به میزان جزای نقدی در درجه های ۸ گانه ماده ۱۹ قرار میگیرد. چون مجازات حبس درجه ی تعزیرش مشخص بود؛ معاونت را با توجه به درجه ی حبس توضیح دادیم در واقع پولشویی جرمی است با دو مجازات و معاون هم دو مجازات درجه ی پایین تر را تجربه میکند؛ چه در حبس و چه در جزای نقدی. ضمن این که مجازات جزای نقدی برای، جرمی شروع به جرم ندارد ولی حبس درجه ی ۱ تا ۵ تعزیری شروع به جرم دارد. شرکت در جرم پولشویی طبق ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی می باشد که شریک در جرم را فاعل مستقل دانسته و برایش مجازات فاعل مستقل در نظر گرفته شده است. تخفیف مجازات هم بر اساس ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی صورت می پذیرد (حسین الحسینی، ۱۴۰۲).

اشاره به این نکته خالی از اهمیت نمیشود که قانون مجازات اسلامی مصوب تاریخ ۱۳۹۹/۲۳/۲ مورد اصلاح قرار گرفت در اصلاحیه جدید رویکرد قانون گذار مبتنی بر کاهش مجازات حبس تعزیری میباشد در ماده ۲ اصلاحیه یک تبصره به شرح زیر به ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی اضافه شده است چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس را بیش از حداقل مقرر در قانون تعیین کند باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند و عدم رعایت مفاد این تبصره موجب مجازات انتظامی درجه ۴ می باشد. بدیهی است که جرم پولشویی به عنوان یک جرم تعزیری از رویکرد توأم با مسامحه ی قانون بی نصیب نمانده است و قاضی منحصرأ با ذکر علت میتواند مجازات مرتکب جرم پولشویی را بیش از حداقل قرار دهد.

### ۳-۲- اصل برائت و اماره مجرمیت در پولشویی

#### ۱-۳-۲- دلیل اماره و اصل

برای درک بهتر مفهوم اصل برائت و اماره مجرمیت ابتدا توضیح کوتاهی در خصوص معنای دلیل اماره و اصل ارائه می دهیم.

دلیل در منطق و اصول دو معنای متفاوت دارد در منطق دلیل هم معنی است با برهان و قیاس؛ منظور از آن مجموع چند قضیه است که از تألیف آنها مجهولی معلوم گردد؛ مانند این که می گویند عالم متغیر است و هر متغیری حادث است

پس عالم حادث است. در اصول فقه دلیل اعم از آن است که در منطق مصطلح است زیرا دلیل به هر چیزی می گویند که در واقع مجهولی را برای ما معلوم می گرداند. دلیل عبارت است از چیزی که به لحاظ کشف از واقع مثبت حکمی تکلیفی و کلی باشد. اماره چیزی است که مثبت حکم وضعی یا موضوعی از موضوعات احکام تکلیفی باشد و به لحاظ کشف از واقع حجت شناخته شده باشد؛ مانند اماره ی ید و تصرف که مثبت مالکیت متصرف و ذوالید است و مانند اماره فراش که مثبت نسب و مبتنی بر غلبه است. این دو اماره هر دو از احادیث و اخبار اقتباس شده اند باید توجه داشت که موضوع بحث ما اماره ی قانونی است نه اماره ی قضایی بینه شرعی اماره است برای اثبات مفاد آن اعم از زوجیت مالکیت، جرم و غیره اماره چیزی است که به طور ظنی کاشف از حکم یا موضوعی باشد و در این صورت دلیل عبارت از چیزی است که به طور قطع کاشف از حکم یا موضوعی باشد. اصل چیزی است که بدون ملاحظه ی کشف از واقع و صرفاً برای تعیین تکلیف در موقع شک و تردید حجت شناخته شده باشد اعم از این که مثبت حکم تکلیفی باشد یا موضوع مثلاً هر گاه در تحریم عملی تردید کنیم، مثل این که ندانیم سیگار کشیدن حرام است یا حلال با کمک اصل برائت حلیت آن را ثابت میکنیم و این اثبات فقط برای رفع تحیر و تردید در مقام عمل است. بدون این که بتوانیم بگویم در واقع و در عندالله نیز سیگار کشیدن مباح است. حجیت اماره جنبه طریقت دارد نه جنبه ی موضوعیت نکته ی مهم تر در حجیت اماره این است که اگر قانون یا شرع چیزی را اماره و حجت میداند به خاطر رسیدن به واقع است نه این که مفاد آن ارزش و اعتبار حقیقی مییابد. بدین جهت خلاف مفاد اماره قابل اثبات است. اگر مفاد اماره که طریق به واقع است ما را به واقع برساند به مطلوب رسیده ایم و گرنه معذور خواهیم بود و گناهی نکرده ایم (عباسی، ۱۳۹۳).

بنابراین با توجه به توضیحات فوق متوجه سلسله مراتب، دلیل اماره و اصل شدیم. دلیل به قطعی امر مجهولی را بر ما معلوم میگرداند و اماره به طور ظنی ما را به واقع میرساند و اصل بدون هیچ کشفی از واقع صرفاً برای رفع تحیر مورد استفاده و استناد قرار می گیرد.

## ۲-۳-۲- اصل برائت

با توجه به این که اصل برائت در خصوص جرم پولشویی مورد خدشه قرار می گیرد در این بخش به بررسی مفهوم اصل برائت میپردازیم همان گونه که در بررسی مواد قانون مبارزه با پولشویی دیدیم؛ در بسیاری از موارد که ظن وقوع جرم و ایجاد یک معامله ی مشکوک مطرح می گردد خود متهم بایستی بی گناهی خویش را به اثبات برساند و این مهم به معنای عدول از اصل برائت می. باشد اصل برائت در حقوق جزا بسیار مهم و حائز اهمیت می باشد و مبنای بسیاری از قوانین کیفری مییابد؛ همان گونه که در قانون اساسی نیز به آن اشاره شده است. مهم ترین نتیجه اصل برائت آن است که مقام تعقیب بار اثبات عناصر جرم را به عهده دارد و متهم تکلیفی در اثبات بی گناهی خود ندارد اما با توجه به موقعیت خاص جرم پولشویی و برخورد متفاوت با این پدیده مجرمانه اصل برائت تا حدودی به حاشیه می رود. منظور از اصل برائت این است که در مواردی که در حکمی شک، داریم، معتقد شویم که در مقام عمل مکلف به آن نیستیم. مثلاً اگر ندانیم که حکم مصرف مواد مخدر چیست و با بررسی و تحقیق کافی هم دلیل در این باره به دست نیاوریم و در حکم واقعی آن مردد بمانیم برای این که در مقام عمل از تردید و دودلی در آییم میگوئیم اصل برائت است؛ یعنی در این مورد که حکم حرمت ثابت نیست استعمال دخانیات جایز و مباح است (حیدری، ۱۳۹۹).

#### ۴-۲- اماره مجرمیت در پولشویی

اماره ی مجرمیت در جرم پولشویی اصل برائت را به حاشیه میراند و خود را در اولویت قرار می دهد. اینک به بررسی اماره مجرمیت در جرم پولشویی می پردازیم. مقصود از اماره در اماره مجرمیت چنانچه برخی نویسندگان گفتهاند فرض نمی باشد؛ زیرا عناصر فرض حقوقی در مورد اماره صدق نمی کند و اماره به معنای لغوی و مفهومی که در فقه گفته شده است نزدیک تر است. مقصود از اماره مجرمیت این است که آثار اصل برائت نقض می شود. آثار اصل برائت همانند بار اثبات ادعا بر عهده مدعی، بودن حق داشتن آزادی حق داشتن سکوت، مستدل بودن نظریه قضایی و دیگر آثار اصل برائت دیگر به نفع متهم به اجرا در نمی آید و متهم باید بی گناهی خود را اثبات نماید (جوادی، ۱۴۰۰).

استفاده از اصل برائت و اصل صحت معاملات که برخی حقوقدانان قائل به آن شده اند و منتقد جریان اماره مجرمیت در جرم پولشویی شده اند با توجه به مضرات بسیاری که جرم پولشویی برای جامعه به بار می آورد صحیح به نظر نمی رسد به ویژه با توجه به این که در فقه اسلامی نیز مصادیقی همانند قسامه و فرا خواندن شبانه از منزل وجود دارد که نشانگر اعمال اماره مجرمیت در برخی جرایم می باشد (نیکومنظر، ۱۴۰۳).

برای اعمال اماره مجرمیت در جرم پولشویی مبانی و دلایل فقهی در اصول فقه همانند تقدم اماره بر اصل تعمیم حکم از طریق تنقیح مناط، قیاس اولویت و بنای عقلا وجود دارد. قانون گذار جمهوری اسلامی ایران نه با تکیه بر قوانین کشورهای دیگر و نه با تکیه بر قوانین بین المللی که در برخی موارد در تعارض با مصالح و منافع داخلی قرار می گیرد؛ بلکه با تکیه بر مبانی فقهی اسلامی باید در مبارزه با جرم پولشویی که روز به روز بر تعداد مرتکبین آن افزوده می شود. تلاش بیشتری داشته باشد و همان طور که در قانون اصلاحی قانون مبارزه با پولشویی به صراحت بر اعمال اماره مجرمیت تأکید شده است. در عمل نیز با اعمال آن از گسترش این جرم در جامعه پیشگیری به عمل آورد.

با توجه به استنادات فقهی اماره مجرمیت بر اصل برائت مقدم میشود و این مطلب خود امکان مقابله و پیشگیری از جرم پولشویی را فراهم می آورد. مدعای مطالب فوق تبصره ۳ ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی میباشد که اشعار می دارد: چنانچه ظن نزدیک به علم بر تحصیل مال از طریق نامشروع وجود داشته باشد. در حکم مال نامشروع محسوب و مرتکب در صورتی که مشمول مجازات شدیدتری نباشد به حبس درجه شش محکوم می شود در هر صورت مال مزبور ضبط خواهد شد مگر اینکه تحصیل مشروع آن اثبات شود. قانون گذار ظن نزدیک به علم و نه علم قطعی را برای اعمال مجازات کافی دانسته و اماره ی مجرمیت را بر اصل برائت مقدم دانسته و بار اثبات مشروع بودن تحصیل مال را بر عهده ی خود فرد گذاشته است. مقدم کردن اماره مجرمیت بر اصل برائت در خصوص جرم پولشویی حاکی از موقعیت خاص این جرم میباشد که برخورد متفاوتی را بدون هر گونه مسامحه می طلبد.

#### ۳- چالش بین محدودیتهای قانون مبارزه با پولشویی و آزادی افراد در پرتو قواعد فقهی

در تطبیق قانون سابق و لاحق مبارزه با پولشویی پیش بینی اقدامات پیشگیرانه توسط قانون گذار را اقدامی بسیار شایسته ارزیابی کردیم اما در کنار مفید بودن چنین رویکردی بایستی یادآور شویم که برنامه های پیشگیری تا حدودی آزادی افراد را با محدودیت رو به رو می سازد.

در ادامه به تحلیل اقدامات پیشگیرانه ی محدود کننده می پردازیم. در این مبحث چالش بین آزادی افراد و محدودیت های قانون جدید را با توجه به قواعد فقهی مورد بررسی قرار می دهیم.

### ۱-۳- موانع و محدودیتهای اعمال سیاستهای سرکوبگرانه یا پیشگیرانه

همان گونه که در بررسی قانون مبارزه با پولشویی دیدیم اقدامات پیشگیرانه ی زیادی در این قانون پیش بینی شده است از جمله مشخص کردن حد آستانه برای نقل و انتقالات بانکی و ارائه اسناد مثبته و نوشتن بابت برای نقل و انتقالات بانکی از موارد دیگر می توان به شفاف سازی اطلاعات و تشکیل مرکز اطلاعات مالی اشاره کرد و این که هر معامله ای که بیش از سطح فعالیت ارباب رجوع باشد گزارش میشود و تمام نهادها و دستگاه های نام برده شده در قانون مکلف به احراز هویت و شناسایی مراجعان هستند شاید برای افراد عادی جامعه که هرگز در فکر پولشویی نیستند مواجهه با چنین اقداماتی محدود کننده آزار دهنده باشد؛ مثلاً برای تجار و بازرگانان که روزانه نقل و انتقالات زیادی را انجام میدهند. چگونه می توان به این مسأله نگرست؟ آیا همه ی ما با روی خوش پذیرای این اقدامات پیشگیرانه در جهت داشتن جامعه ای ایمن و کاهش وقوع جرایم هستیم. چگونه می توان بین، عدالت، امنیت پیشگیری و سرکوبی و قوه قهریه جمع نمود؟ چالش بین امنیت و آزادی های، فردی امروزه به مسأله روز تبدیل شده است. دولت ها، اغلب رویکرد محدود کننده خود را به استناد حفظ امنیت توجیه می کنند. در این وضعیت اولین قربانی حفظ، امنیت حقوق و آزادی های فردی است با این وجود، اخیراً شاهد عقب نشینی در این حوزه هستیم

در واقع چنانچه روابط بین امنیت و آزادی بخواهد به شکل سازش بین ضرورت یکی و لزوم دیگری بررسی شود باید گفت که به نظر میرسد مقررات فعلی در این زمینه گرایش به امنیت گرایی دارد که این امر به ناچار به کاهش محسوس حوزه آزادی های فرد منجر می شود. مسأله اساسی که در این جا مطرح میشود این است که از بین امنیت و آزادی های فردی کدام یک مهم ترند؟

بدیهی است که هیچ یک از این دو را نمیتوان کنار گذاشت بلکه باید بین آنها توازن و تعادل برقرار نمود و مداخلات پیشگیرانه را با شاخص حقوق بنیادین انسان ها تنظیم کرد. اقدامات پیش بینی شده در قانون جدید در زمینه، پیشگیری آزادی فردی افراد را محدود میکند اما میتوان گفت با توجه به قواعدی مثل قاعده لاضرر برای کاهش وقوع جرم و جلوگیری از به وجود آمدن ضرر اقدامات پیشگیرانه بسیار خوب و قابل توجیه است. در واقع برای حفظ حقوق و منافع جامعه و داشتن جامعه ای ایمن تمامی شهروندان از بخشی از آزادی خود به امید کاهش وقوع جرایم چشم پوشی می کنند.

می توان گفت که به دست آوردن هر منفعتی هزینه دارد و بدون پرداخت هزینه سودی به دست نمی آید اصلاح قانون مبارزه با پولشویی و پیش بینی اقدامات پیشگیرانه به نفع اقتصاد کشور ما می، باشد هم چنین رعایت استانداردهای FATF، کشورهای خارجی را تشویق به تبادلات اقتصادی با ایران می نماید و با کاهش جرم پولشویی هم دولت و هم بخش خصوصی منتفع می گردند ضمن این که مسئله تورم به عنوان یکی از مسائل روز کشور با ثبات رو به رو می شود. بدیهی است که چنین فوایدی در مقابل هزینه دارد و شهروندان بایستی با صبوری اقدامات تحدیدی را جامعه ی عمل ببوشانند بهتر است از طریق رسانه های عمومی برای تمام شهروندان مزایای کاهش میزان ارتکاب جرم پولشویی تبیین گردد تا خود شهروندان داوطلبانه به اجرای قانون همت گمارند و تمام موارد پیشگیرانه از جمله رعایت سقف نقل و انتقالات و ارائه اسناد مثبته را با آگاهی و رغبت و اقناع درونی جامعه ی عمل پوشانند.

## ۲-۳- تحلیل موانع و محدودیتها در پرتو قواعد فقهی

جایگاه مبانی فقهی در نظام حقوقی ما غیر قابل انکار است بسیاری از قوانین ما ملهم از فقه امامیه میباشد و ما در موارد ابهام یک موضوع همواره به فقه مراجعه می نمایم تا بتوانیم موضوع را تبیین نمایم جرم پولشویی از این قاعده مستثنی نمی باشد و ما در مطالعه و بررسی این جرم نیز به قواعد فقهی رجوع می نمایم. از آن جایی که در گفتار قبل گفتیم که اقدامات پیشگیرانه ی پیش بینی شده در قانون جدید آزادی شهروندان را محدود مینماید؛ اینک میخواهیم با بررسی چند قاعده ی فقهی وجود این محدودیتها را مورد تحلیل قرار دهیم.

از جمله قواعد فقهی مهم که به نظر میرسد مرتبط با جرم پولشویی می باشد قاعده ی تقدیم اهم بر مهم میباشد این قاعده زمانی جریان می یابد که دو حکم در مرحله ی اجرا با هم تراحم داشته باشند و نتوان هر دو را هم زمان اجرا نمود به عبارتی یکی از دو حکم اهم دیگری مهم و در چنین وضعیتی باید اهم را اجرا کرد و در واقع مهم را فدای اهم کرد. این قاعده در فقه بسیار مشهور میباشد و در بسیاری مواضع مورد استناد قرار گرفته است. اینک در مورد جرم پولشویی میتوانیم بگوییم که کاهش جرم در سطح جامعه و امنیت اقتصادی به عنوان حکم اهم میباشد و آزادی شهروندان در نقل و انتقالات بانکی حکم مهم می باشد؛ که در این جا به علت تمام مصالحی که وجود دارد ما قائل به اجرای حکم اهم می شویم. از آزادی افراد در امورات بانکی چشم پوشی میکنیم تا بتوانیم از وقوع جرم پولشویی پیشگیری نمایم از دیگر قواعد فقهی مرتبط به مبحث پولشویی قاعده ی تسلیط یا همان سلطنت می باشد. این قاعده بیان میدارد که هر مالکی نسبت به مال خود حق همه گونه تصرفی دارد مگر آن که استثنایی وارد شده باشد و هیچ کس بدون دلیل نمی تواند مالکی را از تصرف در ملکش محروم سازد. در واقع هر تصرفی مجاز است مگر این که دلیل شرعی خلاف آن ثابت شود.

ما در مقررات پیشگیرانه ی قانون جدید به وضوح محدودیت قاعده ی تسلیط را می بینیم. افراد حق هر گونه تصرف آزادانه در حسابهای بانکی و برداشتهای خود ندارند؛ باید به بانک سند مثبت ارائه دهند و علت نقل و انتقالات خود را ذکر کنند در واقع در قانون مبارزه با پولشویی استثنایی بر قاعده تسلیط وارد شده است و از اقتدار این قاعده کاسته شده است. یکی از قواعد فقهی بسیار مهم که در مباحث قبل هم به آن اشاره کردیم قاعده ی لاضرر می باشد که طبق آن وجود ضرر در حکومت اسلامی پذیرفته نیست و حکومت باید آن را دفع نماید.

در وضعیتهای زیادی قاعده لاضرر و تسلیط در مقابل هم قرار می گیرند و بدیهی است که قاعده لاضرر بر قاعده ی تسلیط تقدم میابد در واقع میتوان گفت در مسئله ی پولشویی با توجه به آثار زیان بار آن قاعده لاضرر بر قاعده تسلیط اولویت دارد و برخورد این دو قاعده بسیار معمول و طبیعی میباشد ضمن این که قاعده ی لاضرر اقتدار ناشی از قاعده تسلیط را محدود میکند سلطه ی بی حد و مرز افراد بر دارایی خود و عدم ارائه هیچ گونه مدارک و دلایلی به بانک و مؤسسات مالی قطعاً مضر به حال جامعه میباشد و پولشویان را بدون هیچ محدودیتی در ارتکاب جرم موفق می دارد در چنین شرایطی با استناد به قاعده لاضرر از سلطه ی بی حد و مرز افراد بر داراییهای آنها کاسته میشود و با استناد به قاعده ی لاضرر و اهمیت دفع ضرر در جامعه میتوانیم محدودیت های ایجاد شده را توجیه نمایم.

علاوه بر قواعد فقهی فوق قاعده حفظ نظام و مصالح مسلمین هم قابل استناد می باشد؛ و ما می توانیم تمام اقدامات پیشگیرانه ی قانون جدید را در جهت حفظ مصلحت عمومی جامعه بپذیریم هر چند آزادی ما را محدودتر مینماید در واقع امنیت بیشتر امر مطلوبی است که خود شهروندان باید هزینه ی آن را متقبل شوند.

#### ۴- نتیجه گیری

به طور خلاصه در قانون جدید قانون گذار نگاه جدی تری به جرم پولشویی چه از جهت پیشگیرانه و چه از جهت مقابله و مجازات داشته است و به توصیه های گروه کاری ( FATF) توجه خاصی مبذول داشته است و استانداردهای جهانی در جهت شفافیت را رعایت نموده است؛ هر چند که اقدامات گروه کاری در قبال ایران خارج از ملاحظات سیاسی نیست. در پایان خالی از اهمیت نمی باشد که دیدگاه انتقادی نسبت به قانون مبارزه با پولشویی ارائه دهیم. اشاره به نکات پنهان و دور مانده از چشم قانون گذار میتواند در اصلاحیه های بعدی کارآمد واقع شود علی رغم نوآوریهای زیاد قانون مبارزه با پولشویی، هیچ ماده ای در این قانون به جرم پولشویی در سطح بین المللی و همکاری متقابل با دیگر کشورها که در پیشنهاد های FATF بسیار مهم جلوه می نمود نگردیده است و به هیچ وجه اشاره ای در خصوص وقوع جرم پولشویی با لحاظ وجود عنصر خارجی اشاره نکرده است و چنین امر مهمی به آیین نامه ارجاع داده شده است. بهتر بود در قانون جدید ماده ای پیش بینی میگردید در خصوص تبادل اطلاعات و گسترش همکاری و ارائه یافته های بانکداری، نوین بین تمام بانک ها و مؤسسات مالی که در سطح کشور فعالیت دارند. در قانون مبارزه با پولشویی هیچ گونه رویکرد حمایتی متوجه نهادها و اشخاصی که معاملات مشکوک را به مرکز اطلاعات مالی گزارش میدهند و افشا می نمایند، دیده نمی شود. اگرچه اقدام قانون گذار در جهت اصلاح قانون و به کار گیری برنامه های پیشگیرانه بسیار مطلوب تلقی میشود؛ اما در کنار برنامه های پیشگیرانه بایستی به توسعه سیاسی، اجتماعی و بالا بردن سطح زندگی افراد در یک جامعه نیز توجه داشت یک برنامه ی پیشگیری به تنهایی و بدون توجه به جوانب دیگر حیات اجتماعی قادر به موفقیت چشمگیری نمی باشد. اگرچه اصلاح قانون و نزدیک شدن به پیشنهاد های FATF خود اقدامی امیدوار کننده است؛ اما تنها به صرف اصلاح مقررات داخلی بدون توجه به روابط خارجی بر طبق معیارهای جهانی نمی توانیم اثرات خوبی را در اقتصاد کشور شاهد باشیم بهتر است در جهت همکاری بیشتر با سایر کشورهای جهان و تشویق آنها به تبادلات اقتصادی با کشور، ایران در صدد جلب نظر FATF بر آئیم و درهای بازارهای بسته را به روی کشورمان بگشاییم حال که قانون گذار ما در اصلاح قوانین داخلی چنین مطلوب عمل کرده است؛ امیدواریم با هر چه بهتر شدن روابط بین المللی با سایر کشورهای جهان و رعایت استانداردهای FATF، شاهد شکوفایی جمهوری اسلامی ایران باشیم. قطعاً ما لایق جامعه ای سلامت با کمترین مخاطرات اقتصادی و کاهش جرایم مضر به حال اقتصاد از جمله جرم پولشویی و گسترش روابط اقتصادی در سطح جهانی می باشیم.

#### منابع و مأخذ

- ابوالحسنی، قربان. (۱۳۹۹). تدوین الگوی راهبردی پیشگیری از پولشویی در ساختار بانکی کشور (مطالعه موردی بانک صادرات ایران). مدیریت سازمان های دولتی، ۶(شماره ۴ (پیاپی ۲۴))، ۱۱-۲۴.
- احمدزاده، صابر. (۱۴۰۳). اخلاص افساد فی الارض محور در نظام اقتصادی کشور. مجلس و راهبرد، ۳۱(۱۲۰)، ۱۷۹-۲۰۴.
- باباخانی، عرفان. (۱۴۰۱). رسیدگی افتراقی به جرایم اقتصادی در حقوق ایران و فرانسه. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱(۹)، ۳۱-۶۲.
- باقرزاده، احمد، (۱۳۸۸) پول شویی در حقوق ایران و انگلستان و اسناد بین المللی، چاپ دوم، میزان، ص ۳۱
- جوادی، محمد (۱۴۰۰). واکاوی مبانی فقهی اماره مجرمیت در جرم پول شویی. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۲۰(۵۲)، ۴۸-۲۹.

حسین الحسینی، حکیمی ها، گلباغی ماسوله، سید علی جبار. (۱۴۰۲). چالش‌های سیاست جنایی قضایی ایران در رویارویی با جرایم مخل نظام اقتصادی کشور (با رویکردی انتقادی به شماری از آراء محاکم کیفری). آموزه های فقه و حقوق جزاء، ۱(۳)، ۱-۲۰.

حیدری. (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی جرم پولشویی در فقه، حقوق ایران و اسناد بین المللی. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۵(۳)، ۶۵-۹۰.

ساریخانی، عادل فتحی، مرتضی (۱۳۹۵) عناصر موضوعی جرم پول شویی در قانون مبارزه با پول شویی ایران و کنوانسیون های بین المللی، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی دوره دوم شماره ۴ و ۵، صص ۲۳۹-۲۴۰  
شعبانی، محمد. (۱۴۰۲). جرائم اقتصادی در فقه، قوانین ایران و اسناد اروپایی. فصلنامه علمی مطالعات فقه اقتصادی، ۴(۴)، ۱۹-۳۷.

عباسی، اصغر مبارزه با پولشویی در اسناد بین المللی و نظام حقوقی ایران نشر میزان ۱۳۹۳  
میرسعیدی، سید منصور. (۱۴۰۲). بایسته‌های سند ملی ارزیابی ریسک (خطر) پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم در پرتو رویکرد ریسک پایه. پژوهش‌های حقوق جزا و جرم شناسی، ۱۰(۲۰)، ۷۵-۱۱۶.

نجفی ابرند آبادی علی، حسین از سیاست کیفری تا سیاست، جنایی، دیباچه در آمدی به سیاست جنایی، نشر میزان ۱۳۸۲  
نیکومنظری، امین. (۱۴۰۳). اصول حاکم بر کیفرگذاری جرائم شرکتی در نظام حقوقی ایران. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، ۲۹(۱۰۷)، ۲۱۳-۲۴۲.